

جایگاه زنان در "جهانی شدن" و "بیداری اسلامی"

جایگاه زنان در "جهانی شدن" و "بیداری اسلامی"

زینب محمد عیسی

بنام خداوند بخشنده مهربان

جایگاه زنان در : [پروژه] "جهانی شدن" و بیداری اسلامی

پیگیری مطالعات و مکانیسم‌ها و برنامه‌هایی که هدف از آنها ارتقای شأن زنان در دو بعد بین‌المللی و محلی است نشانگر میزان ارتباط مسئله زن با تحولات بزرگ بین‌المللی برگرفته از زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی با شکل‌گیری پدیده "جهانی شدن" - که جهان‌نیان پس از سقوط و فروپاشی اتحاد شوروی در سال 1990م. شاهد آن بودند - است. پدیده‌ای که توجه علما و پژوهشگران را بخود جلب کرد و در دوران کنونی به موضوع بحث‌های داغ در گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی و دینی تبدیل شد زیرا در واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع استقبال کننده از آن، خلل‌هایی ایجاد کرد.

بنا بر این "جهانی شدن" که می‌کوشد آینده را شکل دهد و فرهنگ ویژه‌ای را بسازد که در خدمت اهداف آن در شکل‌گیری منظومه رفتاری، ارزشی و گرایشی و روابطی باشد، توانست جوامع سنتی عربی و اسلامی را درنوردد و آنها را وارد کارزار فرهنگی و تمدنی سازد. این امر به وقوع برخوردها و درگیری‌هایی در بعد ارزش‌ها و هویت و مرجعیت دینی آن جوامع، انجامید.

جهانی شدنی که فرصت‌های گشودگی در برابر جهان باز را فراهم می‌کند، در عین حال امکان تباهی و عزلت و گسست از تاریخ و محدوده جغرافیایی را که چارچوب هویت را تشکیل می‌دهند نیز فراهم می‌آورد. بنا بر این "جهانی شدن" نیروی سترگی در ساخت جهانی پیشرفته است که هدفش رفاه اقتصادی است.

از سوی دیگر جهانی شدن یکی از منابع و سرچشمه‌های بیماری معاصر هم بشمار می‌رود زیرا در زمینه خلاء اخلاقی و آنجا که موفقیت و ناکامی تنها معیار رفتار انسانها بشمار می‌رود و خودخواهی‌ها حرف آخر را می‌زنند و بکه تازی افراد از هر چیزی مهمتر است، حضور دارد. این بیماری، بافت جوامع انسانی و در رأس آنها خانواده یعنی مرد و زن و فرزندان را تضعیف می‌کند.

در ابتدای دهه هشتاد قرن گذشته، توجه زیادی به مسئله زنان شد و این موضوع در صحنه عمومی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، جای مهمی را به خود اختصاص داد و در دو بعد بین‌المللی و محلی نیز توجه فوق‌العاده‌ای را بخود جلب کرد. سازمان ملل متحد طی دو دهه آخر قرن گذشته چهار نشست جهانی برای زن برگزار کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز سال 1975م. را سال جهانی زن در نظر گرفت. در همان سال اولین کنفرانس جهانی مربوط به زن در مکزیک و با عنوان "برابری، توسعه و صلح" برگزار گردید. این کنفرانس اعلامیه دهه بعد یعنی سالهای 1976 تا 1985م. را (دهه سازمان ملل متحد برای زن) به تصویب رساند تا طی آن کوشش‌های جهانی در جهت مطالعه موقعیت زن و حقوق آن و مشارکتش در روند تصمیم‌گیری در همه سطوح، صورت پذیرد. در هیجدهم دسامبر 1979م. مجمع عمومی سازمان ملل متحد موافقتنامه رفع هرگونه تبعیض علیه زنان را از تصویب گذراند. این توافقنامه در اول سپتامبر 1981م. قابلیت اجرایی پیدا کرد و معیارهای بین‌المللی برای برابری زن و مرد در نظر گرفته شد.

در سال 1980م. سازمان ملل متحد دومین کنفرانس مربوط به زنان را در کوپنهاگ (دانمارک) در جهت ارزیابی دستاوردها و بحث و بررسی موانع و مشکلات و اتخاذ گام‌های ضروری برای برطرف ساختن آنها برگزار کرد. در سال 1985م. به عنوان پایان نخستین دهه، در نایروبی کنفرانس جهانی طرح و ارزیابی دستاوردهای یک دهه سازمان ملل متحد با عنوان: "برابری، توسعه و صلح" برگزار شد. در این کنفرانس استراتژی‌های پیشبرد حقوق زنان مورد تصویب قرار گرفت و قرار شد تا پایان سال 2000م.، همه آنها به

مورد اجرا گذارده شوند و کشورها نیز تشویق و ترغیب شدند، تدابیر اجرایی لازم در جهت تحقق برابری زنان و مردم به لحاظ فرصت‌ها و امکانات مشارکت را اتخاذ کنند و قوانینی در جهت تحکیم برابری فرصت‌ها و اجرای این قوانین تدوین نمایند. در سال 1995م. سازمان ملل متحد در یکن چهارمین کنفرانس جهانی مربوط به زن را برگزار کرد؛ در این کنفرانس، استراتژی‌های پیشین مورد ارزیابی قرار گرفتند. کنفرانس یاد شده اعلامیه و آیین عمل "یکن" را مورد تصویب قرار داد. در این اعلامیه، چهار عرصه به عرصه‌های مربوط به استراتژی نایروبی افزوده شد و مجموعاً شامل: تقسیم قدرت، مکانیسم‌های ملی پیشرفت زنان و پایداری، بندگی به حقوق زنان، فقر و مشارکت اقتصادی و بهره‌مندی از آموزش و خدمات بهداشتی، کار مزدوری، خشونت علیه زنان و پیامدهای درگیری‌های مسلحانه بر زنان و زنان پناهنده و زنان بازگشته و زنان فراری، زنان و رسانه‌های گروهی، زنان و محیط زیست، کودک و آموزش شدند.

این کنفرانس با برانگیختن شماری از مسایل جنجال‌برانگیز متمایز شد. برخی از این مسایل مستلزم شهادت بودتا برای نخستین بار در یک محفل بین‌المللی مطرح می‌گردید پیشاپیش این مسایل که دیدگاه‌های گوناگونی پیرامون آن مطرح شد مفهوم اعتبارهای مترتب بر نوع جنس، انصاف و برابری، و بهداشت جنسی و سقوط جنین غیرقانونی، حقوق، تمایلات جنسی و چارچوب خانواده و شکل آن، برابری در حقوق و ارث در دختران، حقوق جنسی، حقوق والدین و راهنمایی و ارشاد و غیره. از جمله نمونه‌های موضوع‌های یاد شده بود. کشورهای عربی و اسلامی شرکت‌کننده در این کنفرانس در مورد برخی از این بندها، و بویژه بندهایی که قوانین یا حاکمیت و سنت‌ها و باورهای فرهنگی دینی یا شریعت اسلامی را نقض می‌کرد، تحفظهایی داشتند.

این کنفرانس‌های بین‌المللی در کنار کنفرانس‌های بین‌المللی جمعیت و توسعه (قاهره 1994م.) تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و بروز و توسعه سازمانها و جنبش‌های زنان و در تبلور دیدگاهها و استراتژی‌های آن در راستای اجرای اهداف موردنظر قطعنامه‌های سازمان ملل و درخصوص مطالبه برابری کامل میان دو جنس و پیاده کردن توافقنامه پایان بخشیدن به تمامی انواع تبعیض علیه زنان (سیداو) بجای گذاشت. در این میان در سال 2002م. سازمان زنان عرب زیر چتر اتحادیه کشورهای عربی تأسیس شد. کمیته زنان به عنوان هیئتی فرعی وابسته به کمیته اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا (اسکو) نیز تأسیس یافت. در بعد غیر دولتی و در چارچوب شبکه‌ها و اتحادیه‌های عربی مرکز زنان عرب برای آموزش و پژوهش (کوتر) و "شبکه رسانه‌ای عایشه" نیز تأسیس گردید. سپس اعلامیه بیروت برای زنان عرب ده سال پس از اعلامیه یکن صادر شد؛ در این اعلامیه چارچوب کلی و خطوط اصلی حقوق مربوط به زنان و پیشبرد آنها در دهه آینده قرن بیست و یکم برای کشورهای عربی و دولت‌ها و سازمانهای غیردولتی، صادر گردید.

بدین ترتیب موضوع زن به حرکتی اجتماعی و بمثابه فعالیت اجتماعی با توجه به چالش‌هایی که وجود دارد و کوششی برای تحقق خواسته‌های استراتژیکی که ضامن از میان بردن تبعیض و نابرابری میان زنان و مردمان در عرصه‌های گوناگون زندگی و فراهم آوردن محیط مناسبی برای زنان در بنای توانایی‌های تولیدی و خلاقانه آنها، تبدیل گردید.

بدین ترتیب موضوع زن به حرکتی اجتماعی و بمثابه فعالیت اجتماعی با توجه به چالش‌هایی که وجود دارد و کوششی برای تحقق خواسته‌های استراتژیکی که ضامن از میان بردن تبعیض و نابرابری میان زنان و مردمان در عرصه‌های گوناگون زندگی و فراهم آوردن محیط مناسبی برای زنان در بنای توانایی‌های تولیدی و خلاقانه آنها، تبدیل گردید.

این فعالیت‌ها از میزانی از نظم و تداوم و توانایی ایجاد تغییرات موردنظر برخوردار است و بدین ترتیب، نزدیکی‌هایی با تعریف‌های مطرح‌شده‌های اجتماعی از جمله تعریف "Gold" و "Golbe" به عنوان کوشش‌های مستمر مجموعه‌ای از افراد به منظور تحقق منافع مشترکی برای همه اعضای آنها و تعریف "Hess" به عنوان (کوشش‌هایی سازمان یافته برای ایجاد تغییرات اجتماعی یا ممانعت از ایجاد هرگونه تغییر) پیدا می‌کند. همه آنها کوشش‌ها و تلاش‌هایی برای گردآوری افراد به گرد این دیدگاهها یا تشکیل سازمان‌های رسمی برای تحقق آن اهداف یا عقد پیمانها و ائتلاف‌هایی با سازمان‌های دیگر به همین منظور است.^[1] ولی تعریف "touraine Alain" از برجسته‌ترین پژوهشگران جنبش‌های اجتماعی دانشجویی، کارگری و زنان، به همجواری میان سه اصل اساسی یعنی: اصل هویت جنبش (یعنی منافعی که حرکت اجتماعی می‌کوشد از آنها دفاع کند از جمله جنبش‌های زنان که برای آزادی زنان فعالیت می‌کنند.) و اصل نیروهای دشمن (یعنی نیروهای دشمنی یا کسانی که با اهداف حرکت اجتماعی موردنظر مخالفت می‌کنند) و بالاخره اصل دیدگاهها یا اهداف جنبش (مجموعه‌ای از ارزش‌ها و مرجعیت‌ها و ایدئولوژی‌های موردنظر) می‌پردازد.^[2] و برآنست که جنبش‌های اجتماعی سه وظیفه و کارکرد اصلی دارند. وظیفه واسطه‌گری میان افراد مجموعه‌ها از یک سو با نهادها از سوی دیگر، وظیفه روشنگری، و وظیفه فشار بر نهادها و جامعه برای تحقق خواسته‌ها.

بنابراین جنبش‌های زنان که طی سه دهه مطرح شدند، جنبش‌هایی با سازمانها و روابط مرجعیتی و کارکردی متعددی بودند همچنانکه با جریان‌های فکری و سیاسی مختلفی از محافظه‌کار و سنتی گرفته تا تجدیدگرا و مدرن تا جریان‌های اسلامی و طرفدار گفتمان اسلامی بودند. این دسته آخر در پی تغییر در مرجعیت خود و مطالبه برابری جنسیتی، آنچنانکه در مفهوم جنبش‌های زنان در غرب مطرح است، نبودند. برخی از این جنبش‌ها پس از آن از جنبش‌های فکری نخبه‌ای به جنبش‌های مردمی زنان و با توان بسیج

زنان و انجام مبارزات ملی اجتماعی، تبدیل شدند.

وقایع سه دهه گذشته ثابت کرده که حمایت‌های بی حد و مرز از زنان با هدف پایان بخشیدن به تمامی انواع تبعیض علیه زنان، بخش پنهان برنامه جهانی شدن را تشکیل می‌داد. همچنانکه همدلی خارجی با مسایل زنان وجه دیگر رویارویی‌های سیاسی با جوامع عربی و آن تصویر منفی و تاریک نهفته در بخش‌های گسترده‌ای از افکار عمومی جهان در ازای جهان عرب و اسلام و فرهنگ و ارزش‌های آن بوده است. گرایشی هدفمند به بازسازی اندام جوامع عربی و اسلامی و آماده‌سازی آن برای مشارکت فعال در بنای جامعه جهانی است زیرا زن در جوهره خود بمثابة ذخیره‌ای از میراث فرهنگی دینی و تمدنی و در عین حال روی دیگر بهداشت خانواده و جامعه در دو بعد توسعه‌ای و هویتی است.

پرسشی که اینک مطرح می‌شود: آیا معیارهای رهایی نامشروط آزادی زنان و بازگرداندن موجودیت انسانی آن در پرتو جهانی شدن، توانسته آنچنان ارتقای انسانی برای وی فراهم آورد که راه را برای نوعی زندگی تجدیدگرا و پیشرفته و خلاق براساس مکانیسم توسعه و پیشرفت فرد و جامعه، هموار سازد.

این پرسش محور ورود به دنیای جهانی شدن و پیامدهای آن بر واقعیت زنان است. به عبارت دیگر جایگاه زنان در جهانی شدن تا رسیدن به دیدگاه‌های آینده‌نگرانه‌ای که استراتژی هدفمندی برای صیانت و حمایت از زنان در برابر جنبش‌موهوم رهایی که زن را تنها به ابزاری مادّی در خدمت دیدگاه‌ها و گرایش‌های جهانی شدن تصویر می‌کنند، چیست؟ اینها همه براساس مطالعات و پژوهش‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی است که کنفرانس‌ها و میزگردها و نشست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای که پیاپی پیرامون زنان تشکیل و برگزار شده است ارایه داده‌اند. این نکته مستلزم در نظر گرفتن چندین محور است:

1- تعریف "جهانی شدن".

2- پیامدهای "جهانی شدن".

3- جایگاه زنان در روند "جهانی شدن".

4- دیدگاه اسلامی نسبت به زن.

یکم : تعریف "جهانی شدن" :

سخن از جهانی شدن در پی فروپاشی اتحاد شوروی در سال 1990م. و همراه با بروز مجموعه‌ای از پدیده‌های سیاسی و حیاتی و یک سری اندیشه‌های نوین و پیشرفت‌های فناوری که جهانی را به همبستگی و ارتباطات و نزدیکی بیشتر می‌کشاند و از فاصله‌ها می‌کاست، گسترش بیشتری پیدا کرد. اصطلاح "جهانی شدن" از ترجمه واژه یا اصطلاح انگلیسی "Globalisation" به معنای قراردادن چیزی در سطح جهانی، گرفته شده و سپس به فرانسه به شکل Mondalisation برگردانده شد و سپس با سه عنوان "جهان‌گرایی"، "زمین‌گرایی" و "جهانی شدن" وارد زبان عربی [و فارسی] شد. به لحاظ لغوی، به مفهوم تعمیم چیزی و گسترش دایره آن تا شمول کل جهان است.

در اینجا ناگزیر باید اشاره کرد که تعریف واحد و جامعی از "جهانی شدن" وجود ندارد. این اصطلاح، چندین شکل بخود می‌گیرد و به چندین صورت و فرم درمی‌آید. به عبارت دیگر "جهانی شدن" واحدی وجود ندارد و ما با جهانی‌شدن‌های متفاوتی روبرو هستیم : «جهانی شدن اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و علمی و ...»؛ از جمله تعریف‌هایی که "جهانی شدن" بخود دیده، تعریف "رونالد روبینسون" است که معتقد است: «به معنای فشار جهانی و کوچک‌سازی آن از یک سو و انگشت گذاردن آگاهی به آن به عنوان یک کل از سوی دیگر است.» [3]

"عبدالله بلقزیز" فرهنگ جهانی شدن را «عملی غصبی فرهنگی و تجاوزگرانه و سمبلیکی نسبت به دیگر فرهنگها در دیگر جوامعی که روند جهانی شدن به آن می‌رسد، می‌شناسد» [4] و "محمد شیا" آنرا «سیلان و هجوم آزاد کالاها و اموال و خدمات و اندیشه‌ها در بازار و مرزها بدون هیچ مانع و رادعی» می‌داند. [5] و در میان پژوهشگران، کسانی آنرا به عنوان «تداخل امور سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی و سبک زندگی ملی با امور جهانی یا بین‌المللی بگونه‌ای می‌دانند که هویت فرهنگی و ملی را متلاشی می‌سازد.» [6] حال آنکه "ولفگانگ راینیکی" آنرا: «پدیده تکامل میان جنبه‌های اندامی و استراتژی شرکت‌هایی که فعالیت‌های فنی و اطلاعاتی و تبدیلی آنها به قصد تحقق رقابت بین‌المللی، از مرزهای جهانی فراتر رفته است.» [7]

در بعد ایدئولوژیک، "جهانی شدن" می‌کوشد تا فرهنگ خود را در خدمت به اهدافی که برای خود در نظر گرفته است در راستای شکل‌دهی به منظومه رفتارها و ارزش‌ها و گرایش‌ها بسازد و می‌کوشد فرهنگ‌ها و ارزش‌های تمدنی و انواع رفتاری فرهنگ‌های دیگر را به لحاظ سمعی، بصری و مصرفی و سیاسی از طریق انگشت‌گذاری بر فردگرایی بدون هویت اجتماعی و قومی و در جنگ با حافظه ملی و تاریخ، ارنیه فرهنگی و اجتماعی و دینی را درنوردد و پشت‌سر گذارد. "جهانی شدن" شیخون فکری و فرهنگی و کوششی برای خاک سپردن هویت فرهنگی با استفاده از نظام‌های دموکراتیک و تحمیل آزادی‌های جابجایی و گشایش بازارها و ظهور مجموعه‌ها و کارتل‌های بسیار بزرگ اقتصادی با ظهور مفاهیم جدیدی چون: دموکراسی، آزادی زنان، حمایت از محیط زیست، بهداشت باروری، رفاه اجتماعی، شناخت، خلاقیت، حقوق بشر و غیره است.

"جهانی شدن" امروزه با استراتژی‌های لیبرالیسم اقتصادی کلاسیک برابری می‌کند و شکل تطبیق دقیق و طابق النعل بالنعل برنامه جهانی شدن لیبرالی مبتنی بر تأکید بر حق تقدّم منطق اقتصادی در بازسازی روابط بین‌الملل و تحقق هماهنگی میان منافع گروه‌ها و خلق‌ها بخود می‌گیرد.

و بدین ترتیب و با شتابی که درک آنرا مشکل می‌کند، "جهانی شدن" به مفهوم ذوب شمار بزرگی از اقتصادهای روستایی، منطقه‌ای و ملی در اقتصاد جهانی فراگیری است که جایی برای کاهلان و کم‌تحرکان در آن وجود ندارد. این جهانی شدن را کسانی رهبری می‌کنند که توان رویارویی با طوفان‌های سرکش رقابت را دارند [اقتصاددان معروف ادوارد لتوک (Luttwak Edward) عصر جدید را اینگونه توصیف می‌کند.] [8]

بدین ترتیب ندای عصر جدید چنین شد: "هرکس می‌تواند، خود را نجات دهد" یا به گفته nely mc scott : «یا می‌خوری یا خورده می‌شوی.» [9] و در توضیح می‌گوید: «کره‌خاکی ما تابع فشاری است که دو نیروی متضاد و بزرگ یعنی "جهانی شدن" و فرپاشی، ایجاد می‌کنند.» [10]

دوم: پیامدهای "جهانی شدن":

– ویژگی‌های اصلی "جهانی شدن" در رهاسازی تجارت بین‌المللی و گسترش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ظهور حرکت‌های بزرگ مالی در گذر از مرزها و شکل‌گیری رقابت در بازارهای جهانی برخاسته از تأثیر مشترک دو عامل اصلی یعنی: تصمیمات مربوط به سیاست‌های بین‌المللی و اثر فناوری‌های جدید بویژه در عرصه اطلاعات و ارتباطاتی که انگشت‌شخص خود را بر روند جهانی شدن کنون برجای گذاشته است.

در این راستا، موانع طبیعی مربوط به زمان و مکان کاهش یافت و هزینه‌های جابجایی اطلاعات، مردم، کالاها و سرمایه‌ها بر روی کره زمین شدیداً تقلیل پیدا کرد. در همان حال ارتباطات جهانی بسیار ارزان و فوری و به سادگی قابل استفاده شد و این امر منجر به گسترش سرسام‌آور امکان اجرای معاملات اقتصادی در جهان گردید.

– فناوری جدید منجر به ایجاد تغییر در مزیت نسبی بین‌المللی و دانش و شناخت را یکی از عوامل مهم تولید و از منابع بسیار پراهمیت قدرت و ثروت ساخت بخش‌های مرتبط و متکی به شناخت‌های فشرده و فناوری‌های بسیار دقیق، بیشترین نرخ رشد را در اقتصاد جهانی پیدا کردند و این روند البته واکنش‌های خود را بر دیگر بخش‌های اقتصاد جهانی و ایجاد اختلال‌های شدید در توازن میان شمال و جنوب – به لحاظ فرصت‌های دستیابی به دانش و فناوری – بجای گذارد.

سرچشمه تمامی انواع فناوری‌های نوین به شمال [کشورهای ثروتمند سرمایه‌داری] یعنی جایی باز می‌گردد که بخش‌های اعظم پژوهش‌ها و پیشرفت‌ها انجام می‌شود. و این یکی از منابع مهم سلطه کارتل‌های چندملیتی بر بازارهای جهانی و نیروی چانه‌زنی آنها در برابر دولت‌های کشورهای روبه رشد را تشکیل می‌دهد. [11]

– جهانی شدن کنونی محصولات نامتعادلی در کشورها به ارمغان می‌آورد. در این میان ثروتهایی وجود دارد که ایجاد می‌گردد ولی کشورها و خلق‌های زیادی هستند که مشارکتی در سود و منافع آنها ندارند. توزیع منافع میان کشورها با میزان بسیار زیادی از نابرابری همراه است. کشورهای صنعتی با توجه به شالوده نیرومند اقتصادی که از آن برخوردارند و فراوانی سرمایه و مهارتهایی که در آنها یافت می‌شود و با توجه به عرصه‌های پیشرفته‌ای از فناوری که در آن قرار دارند، به گونه بهتر و برتری آماده دریافت مزایای بزرگی از افزایش جهانی شدن اقتصاد جهانی هستند و در طرف مقابل، کشورهای کمتر رشد یافته اسیر دورباطلی هستند که عناصری چون: فقر و بیسوادی و محرومیت از مزایای جغرافیایی و سوءمدیریت از عناصر شکل‌دهنده اصلی آنها؛ علاوه بر این بار بدهی‌های فزاینده خارجی نیز مطرح است. [12] گزارش صادره از سوی سازمان ملل متحد (اسکوا) نشان می‌دهد که کشورهای (اسکوا) در سال 2011م. با خطر افزایش نرخ بیکاری و توقف ورود سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری‌های ناگهانی مالی یا خروج این سرمایه‌گذاری‌ها از این کشورها، روبرو می‌شوند. همه کشورهای (اسکوا) در سال 2011م. در معرض تأثیرپذیری از کاهش رشد قرار خواهند گرفت بگونه‌ای که توان بازپرداخت بدهی آنها تضعیف می‌شود و در معرض افزایش بدهی‌های دولتی قرار می‌گیرند. [13]

- جهانی شدن به مسایل بسیار گسترده ای دامن زد. نرخ بیکاری و نرخ متوسط تفاوت درآمدها، بالا رفت. بخش اعظم جهان به جهان فقر و فاقه تبدیل شد. جهانی با برخی شهرهای بزرگ ثروتمند با محله های بزرگ دیگری سرشار از فقر و گرسنگی. گزارش سازمان ملل متحد نشان می دهد که بخش بزرگی از جمعیت، زیر خط فقر زندگی می کنند و (مناطق اسکوا) همچنان از تحقق هدف مورد نظر خود در کاستن 50% از جمعیت گرسنه و نیز فراهم آوردن کار کامل و تولیدی و شرافتمندانه، فاصله بسیار زیادی دارد. نمودارهای مربوط به جوانان و انواع اجتماعی، مایه "نگرانی های جدی" است؛ این منطقه در مسئله کاستن از فقر درآمدها هیچ پیشرفتی بدست نیاورده است، بیکاری در بخش اعظم بازارهای کشورهای عربی رایج شده و مسئله در مورد دختران جوان بسیار بدتر از این هم هست. [14]

سوم : جایگاه زنان در روند "جهانی شدن" :

حقیقت کارزاری که در زمان و مکان ادامه دارد و سطوح مختلفی را شامل می شود و زنان در پرتو جهانی شدن و با هدف تحقق رهایی غیرمشروط دنبال می کنند به نتیجه گیری های متنوعی به لحاظ ارزش و جایگاه زنان تا حد "بی حرمتی به موجودیت و نیروها و توانایی ها و پتانسیل های نهفته آنان منجر شده است؛ وقایع موجود در دو بُعد مادی و معنوی ثابت کرده که این کارزار همچنان برقرار، هرگز کیفیت زندگی انسانی مورد نظر را برای زنان به ارمغان نیاورده است. همچنانکه نشانگر آنند که گرایش های جهانی، در جهت سرکوب شخصیت اصیل زنان بطورکلی و زنان مسلمان عرب بطورخاص با مشوه ساختن و تحریف چهره حقیقی که ادیان آسمانی از زن آرایه داده اند، حرکت کرده است. بدین ترتیب زن تبدیل به عنصر دفاعگری شد که همواره باید موجودیت خود را برای قدرت حاکمی که جهانی شدن نماینده آنست، و ارزش و انگیزه ها و رفتارهای او را رقم می زند، ثابت کند. در این میان کوشش می شود چهره حقیقی زن از نظرها پنهان بماند و ویژگی های فردی شخصیت وی در آنسوی مفاهیمی چون : برابری دو جنس و پایان بخشیدن به تمامی انواع تبعیض علیه زنان و امکان دادن به زن، ذوب گردد؛ نگاهی به برخی پدیده های اجتماعی نشانگر آنست که چگونه زنان بجای دستیابی به حقوق خود و مشارکت در ارتقا و تکامل، تبدیل به "چیز" یا "کالایی" در مفاهیم تجارت دنیای نوین شده اند.

1- در روزنامه السفير شماره 12/5/2005 اطلاعات مهمی از آرشیو دفتر بین المللی کار در گزارش صادره به تاریخ 11/5/2005م. (به نقل از اف ب) با عنوان: "ائتلاف بین المللی علیه کارهای اجباری" می خوانیم :

دست کم 12 میلیون و سیصد هزار نفر قربانیان کارهای اجباری در جهان هستند. آنها درآمد سالانه ای به

ارزش 32 میلیارد دلار برای کسانی که استخدامشان کرده‌اند، تأمین می‌کنند. این "بیماری اجتماعی" - آنچنانکه گزارش از آن یاد می‌کند - بویژه شامل آسیا هم می‌شود و در سرتاسر جهان گسترش یافته است؛ این گزارش اشاره می‌کند که 56٪ از کارکنان اجباری از میان زنان و دختران هستند و 40٪ از کودکانی که سن آنها بیش از 18 سال نیست هم شامل آنها می‌شود. بخش اعظم قربانیان (یعنی 9 میلیون و 800 هزار نفر از آنها) به عنوان خدمتکار یا کشاورز برای یک نفر کار می‌کنند و شمار قربانیان تجارت برده نیز به 2 میلیون و 400 هزار نفر رسیده است.

این گزارش حاکی است که کار اجباری، مسئله‌ای جهانی است و جنبه پنهان دارد و با تعهد از درون، بخشی از اقتصاد را تشکیل می‌دهد. کار اجباری در بخش‌های کشاورزی و ساختمان‌های هر دو جنس زن و مرد را بطور مساوی دربرمی‌گیرد ولی بهره‌برداری تجاری غالباً شامل زنان و دختران می‌گردد.

2- در روزنامه لبنانی النهار به تاریخ 2/4/2005م. (این بار از قلب اروپای متمدن و کهنسال) می‌خوانیم: دفتر آمار سوئد می‌گوید که سوئدی‌ها در سال 2004م. 9/2 میلیارد کرون (معادل 4 میلیون و 410 هزار دلار) بابت تجارت مواد مخدر و روسپیگری هزینه کرده‌اند. لازم به یادآوری است که گرایش‌هایی برای خانگی کردن روسپی‌گری و فاحشگی صورت می‌گیرد و تلاش می‌شود به اینکارها با تصویب قوانین و مقرراتی در راستای قانونی کردن این حرفه، جنبه قانونی و مشروع داده شود.

ما در اینجا در برابر پدیده بزرگی هستیم که فکر و ذکر مردم را بخود جلب کرده است. رشد و افزایش تجارت مواد مخدر به عنوان جرثومه فجور و فساد در این زمانه، نشانگر وجود هرج و مرج فرامدنی است که جوامع انسانی (اعم از مرد و زن) را دستخوش خود ویرانگری و از آنجا ویرانی جامعه می‌سازد.

پرفسور "عباس مکی" می‌گوید: «توجه به مشروبات الکلی و دخانیات و مخدرات، ابزارهای دهانی و دارویی برای ورود به رفتارهای مصرفی جنسی و روسپیگری و فاحشگی و دربردارنده نتایج ویرانگری برای عرضه‌کنندگان این خدمت سیاه و متقاضیان آنست و البته در کنار آن سود حاصله و درآمدهای آن اساساً به سود مافیاهای این کالاهای خدماتی به اصطلاح "جنسی" یا "سکسی" در ادبیات توریستی و هتلداری معاصر است.» [15]

3- زمان در محدوده جامعه بحران‌زده‌ای زندگی می‌کنند که "جهانی شدن" با سردادن شعار برابری زن و مرد رقم زده و به آنجا رسیده که زنان در پی ایفا نقش‌های سنتی مردان برآمده و مدعی توانایی ایجاد جایگزین‌هایی برای بنا و شکل دهی به خانواده خارج از روابط مشروع (ازدواج) یا نامشروع (معاشرت

بدون ازدواج) است. محیط فناوری معاصر با پروژه‌های بسیار بی‌باکانه خود در پی ایجاد انواع خانواده‌های جدیدی است؛ این امر عملاً در جهان پیشرفته یعنی در ایالات متحده آمریکا و اروپا و در برخی مناطق آسیا و آمریکای لاتین اتفاق افتاده است. چه بسا پروژه "تباهی زندگی بشری" اینک جوامع عربی و اسلامی ما را به اشکال گوناگون یا غیرقانونی درمی‌نوردند، پروژه‌های "تباهی زندگی بشری" در بعد روانی و ارتباطی در منظومه خانواده برخاسته از این نوع خانواده، خطرات فوق‌العاده‌ای در بر دارد و پیچیدگی‌های زیادی در رابطه میان پدر و مادر و پدر و مادر و فرزندان که در ژن‌های خود با آنها اشتراکی ندارند زیرا از "پشت" پدر و مادر خود زاده نشده‌اند، مطرح می‌سازد؛ مسئله مسؤلیت اخلاقی مربوط به درهم‌آمیزی خویشان تحت تأثیر اختلاط بیولوژیک افراد مختلفی که هیچ پیوندی با یکدیگر ندارند نیز مطرح است.

اینها همه در کنار سردی عاطفی و احساسی میان اعضای خانواده جدید و میان این خانواده و فرزندان بر این اساس که رابطه آنها اجتماعی و نه بیولوژیکی است، وجود دارد.

4- بهره‌برداری تبلیغاتی از زن در موضوع "سکس" و تشویق به فحشا و جنایات اخلاقی در چارچوب دوستی‌های بین‌المللی که بی‌عفتی و بی‌بندوباری‌های دو جانبه را فعلاً ترمیمی‌سازد. این بی‌عفتی‌ها همزمان با شکل‌گیری کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای که فیلم‌ها و صحنه‌هایی که از نزدیکی جنسی و فراخوان به تماس تلفنی برای داشتن ساعاتی از لذت از طریق تلفن، گسترش بیشتری یافته است؛ این پدیده هم یک شکل اجتماعی و هم به صورت مشکلی مادی درآمده و علاوه بر این فشارها و تنش‌های روانی تحریک‌آمیز و خطرناکی را در بعد رفتارهای بیمارگونه و جنایی، بدنبال داشته است.

5 - دفتر سازمان بین‌المللی کار در نشریات سال 2005م. خود اشاره به این دارد که خدمات خانگی، کار نخست دختران زیر شانزده سال در جهان را تشکیل می‌دهد که واقعاً مایه نگرانی است یادآوری می‌شود که چیزی حدود ده میلیون نفر از این افراد، قربانیان چنین بهره‌برداری از جمله شکنجه و تجاوزهای جنسی قرار می‌گیرند.

6- خلاصه کردن زن به عنوان اندامی که یکی از عناصر اصلی بازار در دوران جهانی شدن را تشکیل می‌دهد. اندام [زن] از گرمی و خصوصیتی که بدنبال لذت حلال است تبدیل به جسم سرد و بی‌روحی شده که به عنوان انرژی مبادله اقتصادی در فضای تشویق و تهدید، عمل می‌کند. با این تبدیل و تحول، جسم از مهارت تولید قدم به مهارت اقتصاد سکس گذارده است. این امر با رشد و توسعه مافیای "برندگان سفید" [روسپی‌ها] - که سالانه حدود 7 میلیارد دلار عاید مافیای خود می‌کند - همراه شده است. این بازار

دومین بازار سیاه پس از تجارت مواد مخدر را تشکیل می‌دهد و خود نشانگر دردها و رنج‌هایی است که بشریت در تمدن جهانی شدنی که زیربار هیچ نوع کنترل و مانعی نمی‌رود؛ از آن رنج می‌برد. مجله Le nouvel Observateur در (بلوند سفیدپوست) اروپایی دختران تجارت که سازد می‌خاطر نشان و مافیاهای آلبانیایی است و جنایتکارانی که از این زنان و دختران سوءاستفاده می‌کنند با آژانس‌های استخدام سازمان یافته‌ای همکاری می‌کنند که محرمانه به حساب مافیاهای پنهان عمل می‌کنند که خود نرخ شغل روسپیگری را تعیین می‌کنند. این مافیاهای در نهایت خشونت و وحشیگری اقدام به ربودن و مصادره دختران داوطلب استخدام در این آژانس‌های وهمی می‌کنند و غالباً هم دختران را وادار به پذیرش حرفه روسپیگری می‌نمایند.

7- همزمان با پدیده رشد و توسعه تمدنی و به عنوان نتیجه حرکت تغییری که زنان بدان فرامی‌خوانند، پدیده همجنس‌گرایی (ازدواج دو هم‌جنس با یکدیگر) مطرح شده است؛ در سطح رسمی در ایالات متحده آمریکا کوشش‌های گسترده‌ای برای حمایت از حقوق هم‌جنس‌گرایان و حمایت از ایشان بعمل آمده است. در چندین کشور اروپایی و نیز برخی ایالات متحده آمریکا قانون ازدواج، ارث و فرزندخواندگی برای هم‌جنس‌گرایان

و هم‌جنس‌بازان تدوین شده است.

8- ما با ظهور پدیده فرزندخواندگی به حساب کنترل زاد و ولد و با شعارهایی از جمله بهداشت زاد و ولد، در برابر بمب بسیار پیچیده‌ای که می‌رود تا خصوصیت ذاتی بشریت (مردان - زنان / نر - ماده) را بکلی ویران و تباه سازد روبرو هستیم. نتایج و پیامدهای این پدیده تنها محدود به بی‌هویتی و بی‌عاطفی فرزندان و به حاشیه راندن بزرگسالان نمی‌شود و شامل ارزش‌ها و میراث فرهنگ دینی نیز می‌گردد.

9- نمایش‌های جنسیتی که در پیوند با تبلیغات و فرهنگ مصرفی است و عبارت از بهره‌برداری از اندام [زنان] در همه ابعاد خود برای فروش کالای مصرفی در چارچوب روند بازتاب شرطی پیچیده است؛ کوشش می‌شود تا رابطه زنان با جسم خود که در واقع مجموعه‌ای پیوسته با مجموعه‌های ارزش‌ها و نقش‌ها و داده‌های فرهنگی است، حضور مادی و مصرفی هدفمندی بخود بگیرد و برای هرگونه سوءاستفاده و بهره‌برداری همچون هرکالای دیگری در بازار و براساس عرضه و تقاضا مطرح می‌شود. خانم دکتر "امینه خمیس الظاهری" با استناد به پژوهشی که در مورد تصویر زن در ترانه‌های جوانان عربی خلیج فارس انجام داده می‌گوید: «بیشتر ترانه‌ها و آهنگ‌ها، زنان را در لباس‌های دوره ویکتوریا - که هیچ

ربطی به جامعه عربی ندارند - نشان می‌دهند همچنانکه زنان در بیشتر تصاویر آهنگ‌های آرایه شده با لباس‌های عجیب و غریبی نشان داده می‌شوند و زنان در یک آهنگ چندین بار لباس عوض می‌کنند و گویی سالن عرضه مد لباس مطرح است. از این سخن روشن می‌شود که الگوی غربی چه در شکل زن یا در لباس او، الگوی مطلوب و تعمیم یافته و گسترش یافته‌ای از طریق رسانه‌های گروهی مردمی و فراگیر است و زنان عرب می‌کوشند به عنوان الگوی امروزی، از آن تقلید کنند. به نظر می‌رسد که رسانه‌های گروهی ما را قانع کرده‌اند که این زیباترین نمونه‌ای است که باید از سوی دیگر زنان جهان نیز تقلید شود و این چیزی است که معتقدات و هویت زنان عرب را در پرتو جریان‌های جهانی شدنی که می‌رود تا جوامع ما را درنوردد، تهدید می‌کند.» [16]

چهارم : دیدگاه‌های اسلامی نسبت به زن :

زن در اسلام بیانگر نمونه ایده‌آلی برای وضعیت تعادل و شناسایی همه جانبه موجودیت انسان در همه صورتهای آنست. در شخصیت زن مسلمان تمامی نمودهای ترقی و موجودیت مستقل و اراده شخصی و آزادی انتخاب و آزادی تصمیم‌گیری برخاسته از کنترل درونی متکی به قوانین الهی، نمود پیدا می‌کند. قوانینی که بالاترین سطح تجلیل و احترام به موقعیت و جایگاه زنان را تحقق می‌بخشد. جایگاه شخصی، اجتماعی، خانوادگی، زناشویی و اقتصادی در چارچوب قانونمندی‌ها و احکام شرعی الهی و تضمین حمایت و مراقبت از حقوق او.

ارزش زن در آنچه‌هایی است که اسلام به صورت توانایی‌ها، انگیزه‌ها، تمایلات و احساسات اصیل در وی بودیعه نهاده و هرکدام موجودیت فردی و رشدیابنده‌ای به وی می‌بخشد که شباهتی به دیگران ندارد. شناسایی همه جانبه زن در اسلام در چارچوب حقوق و احکامی صورت می‌گیرد که بطور خلاصه بازیابی کامل همه اعتبارات انسانی است و به نوبه خود راه را بر شکل‌دهی به نوعی زندگی پویا و خلاق و پیشرفته هموار می‌سازد و بدین ترتیب زن تبدیل به عامل اصلی اعتلای روانی و ساختاری و کارکردی و اجتماعی جامعه به عنوان نیمی از جامعه و حتی سازنده و شکل‌دهنده جامعه می‌گردد.

حقوق زن در اسلام :

زن در جامعه جاهلی [پیش از اسلام در شبه جزیره العرب] روشن‌ترین مثال اهانت و تحقیر را بخود دید. او در همه ابعاد جنس، جسد، اندیشه، تولید و جایگاه تحقیر می‌شد و در شخصیت و صورت او تمامی تناقض‌های آن جامعه، تجلی پیدا می‌کرد. او بهترین تعبیر کوتاهی، عقده خودکم‌بینی و ننگ بود و در شخصیت وی بدترین حالت‌های بی‌ارزشی گردآمده بود و کم‌ارزشی او لزوم زنده‌بگور کردن آنها بنا به دلایلی که ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی داشت، توجیه می‌کرد. ریشه اقتصادی‌اش در هراس از فقر بود که دختر باری بر دوش خانواده بشمار می‌رفت. ریشه اجتماعی‌اش در ننگ و رسوایی بود که در صورت ناهنجاری رفتاری‌اش می‌توانست نصیب خانواده و در تقابل با سنت‌های آن شود و به لحاظ روانی احتمال مورد حمله قرار گرفتن قبیله و قرارگرفتن زنان در معرض تجاوز و غارت و اسارت در جنگ‌ها و درگیری‌های قبایل وجود داشت.

اسلام این آیین پاک با رسالت جاودانه و شریعت آسان و قوانین جاودان خود آمد تا همه این افسانه‌های جاهلی را نسبت به زن، نقش بر آب سازد و دلایل واهی آنرا محکوم کند. این دین از طریق قرآن کریم، قانونی آسمانی در نظر گرفت که به موجب آن جایگاه زنان و شالوده‌های روابط و پیوندهای دوجانبه، مشخص می‌گردد. در این قانون، زن دارای حق دوستی و مهرورزی است، دارای حق پذیرش یا عدم پذیرش است. اسلام در همه زمینه‌های حیاتی حقوق بسیار گسترده‌ای برای زن قایل شد که مهمترین آنها حق حیات زن است. اسلام تمامی نشانه‌های خشم و ناخرسندی از استقبال دختران بهنگام تولد را لغو کرد و خداوند متعال با این آیه کریمه، همه این مواضع را چنین به تصویر کشاند: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ نَتَىٰ طَلٍّ وَجَهْهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ * يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (سوره النحل - آیات 58 و 59) (و هر گاه یکی از آنان را به دختر مزده آورند چهره‌اش سیاه می‌گردد در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می‌خورد* از بدی آنچه بدو بشارت داده شده از قبیله [خود] روی می‌پوشاند آیا او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهان‌ش کند و چه بد داوری می‌کنند.) خداوند متعال کردار زشت جاهلیت را در این آیه محکوم کرد: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (سوره التکویر - آیات 8 و 9) (پرسند چو زان دخترک زنده به‌گور * به کدامین گناه کشته شده است.) و خداوند عزوجل خود این نهی را اعلام کرده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْءًا كَبِيرًا» (سوره الاسراء - 31) (و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید ما مییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم آری کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است.)

این برابری در ارزش انسانی و حقوق اجتماعی و مسؤولیت و جزاست و مبتنی بر وحدت اصل، وحدت اهداف و حساب روز جزاست. استثناهای وارده بر این قاعده در ارتباط با تفاوت‌های زن و مرد در برخی ویژگی‌های آندو و در خدمت تکامل آنها با یکدیگر و تحقق جانشینی [خدا بر روی زمین] است. بشریت بطور کلی یک خانواده است و در اصل آفرینش و شکل‌گیری خود - آنچنانکه در این آیه الهی نیز آمده است - به یک نفس بازمی‌گردد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (سوره النساء 1) (ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و زهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است).

این اقرار الهی در آفرینش مرد و زن از یک نفس، زنان را در انسانیت خود برابر با مردان قرار داده با همان حقوق و همان تکالیف و وظایف، در راستای تأکید بر اصل برابری و عدم تبعیض دو جنس با یکدیگر، خداوند عزوجل با هر بار که با امر و نهی یا وعده و وعید ثواب و عقابی در چارچوب یک حکم الهی الزام‌آوری از مردان یاد کرده بلافاصله از زنان نیز یاد کرده است؛ آنچنانکه در این آیه شریفه داریم: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِمِينَ وَالْقَائِمَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَائِضِينَ وَالْحَائِضَاتِ وَالذَّاكِرِينَ وَالذَّاكِرَاتِ وَاللَّهُ كَثِيرًا أَعْلَمُ» (سوره الاحزاب- 35) (مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.) و نیز آیه «أَنْزَيْ لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ لَمْ يَدْعُوا بِعَمَلِكُمْ مِّنْ بَعْضِ» (سوره آل‌عمران - 195) (من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگر تباہ نمی‌کنم.) و آیه: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْتُونَ بِلَا مَعْرُوفٍ وَيَنْذَهُوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (سوره التوبه - 71) (ومردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا

می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند.) چه بسیار شده که خداوند سبحان، کل بشریت را مورد خطاب قرار داده و منظورش زنان و مردان بوده است مثلاً در این آیه: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (سوره الزلزله - آیات 7 و 8) (پس هر که هموزن ذره‌های نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید* و هر که هموزن ذره‌های بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید.) و همین آیه: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا سَعْيٌ * وَأَنْ سَعْيُهُ سُوءٌ فَإِنَّ يُرَى» (سوره النجم - 39 و 40) (و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست* و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد.)

این آیات کریمه الهی سرشار از این دلالت هستند که زن در اسلام همچون مرد، آفریده‌ای انسانی است که از همه مزایایی که به او نیل به کمال انسانی را عطا می‌کند و به برترین جایگاهها می‌رساند، بهره‌مند است ولی طبق دیدگاه اسلامی، نقش میان زن و مرد براساس دیدگاهی تکاملی و همه‌جانبه چنان تقسیم شده که هرکدام دیگری را براساس نقش کارکردی خود در موازنه حیات، تکمیل می‌کند. اختلاف‌های میان زن و مرد، اختلاف‌هایی حساس شده و متعادل است که در جهت تکامل هر دو جنس و ارتقای آنهاست و درست نیست که ما جایگاه‌های مختلف اجتماعی را بر این اساس که اختلاف در جایگاه و ارزش است، تفسیر و تعبیر کنیم. این اختلاف‌ها در ابعاد خود به تعادل و برابری آندو نزدیک‌ترند.

3- برابری در حقوق مدنی :

شریعت اسلامی شمار زیادی از حقوق ویژه زنان را در نظر گرفته است از جمله احترام نظر وی در انتخاب همسری که می‌خواهد برگزیند و در همین راستا، اجازه ابطال ازدواج در صورت اجبار به پذیرش آن را داده است. شریعت اسلامی به زن تضمین‌هایی برای حمایت از حقوق وی و تحکیم مواضع او داده است. این حقوق بعنوان حقوق الزام‌آوری برای مسلمانان در نظر گرفته شده است به این اعتبار که پیمان ازدواج، پیمان بسیار محکمی است که زن و مرد هر دو باید آنرا مورد احترام قرار دهند و مقدس بشمارند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَاهُ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (سوره النساء - 21) (با آنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید و آنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند.) و نیز آیه: «هُنَّ لِيَبَاسٌ لِّكُمْ ° وَأَنْتُمْ لِيَبَاسٌ لِّهِنَّ °» (سوره البقره - 187) (آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید.) و بالاخره آیه: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (سوره البقره - 228) (مانند همان [وطایفی] که بر عهده زنان

وَهَذَا عَلَيَّ وَهَنِي وَفِصَالُهُ فِي عَمَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ
 الْمَصِيرُ» (سوره لقمان - 14) (و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار
 شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و
 پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.) و نیز این سخن الهی: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ
 بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ
 وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (سوره الاحقاف - 15) (و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان
 سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشتن و
 از شیرگرفتن او سی ماه است.) و نیز آیه زیر که خداوند متعال از زبان پیامبرش حضرت عیسی
 (علیه السلام) می‌فرماید: «وَبَرَّأ بِي وَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْ لِي جَدًّا أَرَأَيْتَ شَقِيذًا» (سوره
 مریم - 32) (و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمان نگردانیده است.) این توصیه‌ها
 در جوهر خود بیانگر ستایش از رسالت مادری و اشاره به خطراتی که مادر در راه تحقق هدف والایی که با
 نقش خود به عنوان مادر در حفظ نوع و تداوم آن ایفا می‌کند، متحمل می‌گردد.

پنجم : جایگاه زنان در بیداری اسلامی (دیدگاه آینده نگرانه):

وقایع نشان داده‌اند که معیارهای آزادی زنان و بازگشت به کیان انسانی ایشان در آیین اسلامی نهفته
 است. آیینی که توان تحقق اعتلای انسانی و زمینه‌سازی بنای نوعی والا، نوین و خلاق را که براساس آن
 مکانیسم رشد و توسعه شکل می‌گیرد، داراست. روند صیانت از حقوق زنان و حمایت از آنها در برابر
 حرکت برده‌داری که شعار "جهانی شدن" طی سه دهه گذشته منادی آن بوده است چیزی جز سلب ارزش زن و
 تبدیل شدن آن به یک کالا بجای انسان و زندگی در جامعه بحران زده کنونی نیست. او در این جوامع
 درگیر زندگی پرتنش و هرج و مرجی است که سرانجام نیز به فروپاشی جامعه رفتاری‌اش منجر شده است. زن
 در توهم سعادت و رفاه زندگی می‌کنند و این توهم نیز به نوبه خود بیش از پیش او را اسیر و برده
 خود می‌سازد حال آنکه راه حل دیگری که گریزی از آن نیست. گزینش جریان "بیداری اسلامی" با تمامی
 چالش‌ها، چشم‌اندازها و دیدگاه‌های آینده‌نگرانه آنست. بیداری زن در پیوند با میزان ارتباط واژه
 "زن مسلمان" به عنوان اسم و فعل است. پیامدهای حاصل از "جهانی شدن" در همه ابعاد، مسئله آگاهی در
 جوامع انسانی و ضرورت درک حقیقت اسلامی را که وقایع مختلف ثابت کرده از هر حقیقت دیگری برای مردم

در بازیافت تعادل و توازن امت مفید تر است، مطرح کرده است و اهداف این حقیقت در بعد کاربردی آنها حمایت از ارزش‌های حق و عدالت و احترام به حقوق بشر است زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا ذَنَابَهُمْ فِي الْبَيْتِ وَالْأَيْحَاقِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (سوره اسراء - 70)

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

امت مسلمان در برابر چالش بزرگی در بازگشت به اصول خویش و ارزیابی واقعیت خود در پرتو کتاب خدا و سنت نبوی و مکتب ائمه اهل بیت (علیه‌السلام) و نقاط ضعف و علل آن قرار دارد؛ چالشی که امت اسلامی ما در آینده قابل پیش‌بینی با آن روبرو می‌گردد میزان توانایی تفکیک عناصر زندگی در پروژه جهانی شدن و باز ترکیب آن براساس رهنمودهای اسلام و اصول آنست جهان اسلام در حال حاضر و بحمدالله سرشار از بیداری یکپارچه و سرتاسری است که در همه گرایش‌ها و برای بخش‌های مختلف مردم در جهت درک اسلام و شناخت جنبه‌های حیاتی آن و به سمت اجرای اصول و شریعت اسلامی در تمامی امور زندگی فردی و اجتماعی قابل لمس است - به این اعتبار که اسلام بنا به آیه شریفه ذیل، بیانگر هویت حقیقی کل بشریت است :

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (سوره آل عمران - 110) (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید.) در این میان درک آگاهانه‌ای نیز از نقش اندیشه لیبرال غرب - که جهانی شدن یکی از سایه‌های تاریک آن بشمار می‌رود که کوشیده به میان منظومه فرهنگی دینی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان نفوذ کند و شمار نه چندان اندکی از جوامع عربی و اسلامی را هدف قرار دهد و به آنها آسیب رساند - وجو دارد.

آگاهی فردی و اجتماعی نسبت به اهمیت این شبخون برنامه ریزی شده و روال سرکوب هویت اسلامی و تهی ساختن آن از محتوای مکتبی، نخبه‌ای از علمای دینی و روشنفکران و اصلاحگران را در جهت مخالفت با این شبخون و در نظر مکانیسم و راهکارهایی با هدف بازیافت اندیشه و دیدگاه‌های اسلامی و فراخوان امت اسلامی به همدلی و اتحاد و هم جوشی بیشتر و نزدیکی مذاهب اسلامی به منظور آشنایی و شناخت یکدیگر و برای رسیدن به برادری دینی مبتنی بر اصول مسلم و موارد مشترک ثابت و دینی همه مسلمانان فراخواند. آنها از سازمانها و کنفرانس‌های اسلامی به عنوان خاستگاهی برای تحقق این اهداف و دیدگاهها بهره‌برداری کردند، در این میان سایت جنبش‌های اسلامی و حوادث بزرگی که در جهان اسلام اتفاق افتاد و مهمتر از همه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران - که برای تمامی جهانیان از این سو تا

آنسو ثابت کرد که اسلام می‌تواند امیدهای ملت و خواسته‌های او را به آزادی و استقلال تحقق بخشد و هرگونه پدیده جدیدی را در چارچوب سازماندهی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جای دهد. در این راستا زن نیز نقش فشرده و متمدانه‌ای در امور اجتماعی و سیاسی این حرکت داشت بگونه‌ای که امام خمینی(قدس سره الشریف) می‌فرماید: «شما زنان، این انقلاب اسلامی را به پیش بردید.»

بیداری اسلامی شماری از اندیشمندان و پژوهشگران را به مطالعه خطرات نفوذ آن بر اندیشه غربی و لیبرالی سوق داد. "جیف هینس" می‌گوید: «اسلام بمثابه یک نظام دینی، اجتماعی و فرهنگی کوشیده تا جایگاه پیشگامی جهانی را داشته باشد و از طریق ایجاد یک جامعه دینی بین‌المللی، تبدیل به دینی جهانی گردد.» [18]

در پرتو این بیداری اسلامی بود که یورش‌های رسانه‌ای سازمان یافته‌ای از سوی صهیونیسم جهانی صورت گرفت که در آن اسلام و مسلمانان را به عنوان تروریست و افراط‌گرا و دشمنان تمدن تصویر می‌کردند در پروتوکول‌های حکم‌آلود صهیون آمده است: «اگر طلا قدرت نخست ما برای سلطه بر جهان است، تبلیغات و ابزارهای رسانه‌ای باید قدرت دوم ما باشد.» [19] صهیونیسم جهانی در بدست گرفتن رسانه‌های گروهی در جهان و کنترل بخش برنامه‌های آن در جهت خدمت به منافع خود موفق شد. همچنانکه توانست بر رسانه‌های گروهی آمریکایی و اروپایی نیز که جملگی در پی مشوه ساختن چهره اسلام و مسلمانان و اتهام آنان به تعصب و عدم تسامح هستند، تاثیر گذار باشد.

از جمله نمودهای این بیداری اسلامی، آگاهی بسیار زیاد در میان زنان مسلمان نسبت به برنامه‌ها و نقشه‌هایی است که در مورد آنها برای سلب اندیشه، عقیده و موجودیت ایشان صورت می‌پذیرد. این آگاهی در بروز جنبش‌ها و فراخوانهای زنان در سطح محل بین‌المللی به منظور دفاع از حقوق زنان براساس رهنمودهای اسلام و مرجعیت اسلامی، تبلور می‌یابد. تاکید بر مرجعیت اسلام به معنای انزوا و عزلت‌گزینی نیست، گشودگی در برابر جهان و همراهی با آن در پرتو داده‌های فرهنگی عربی - اسلامی و مستند به اجتهادهای روشنگرانه است. موقعیت زن در بیداری اسلامی با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی و گسترش آگاهی و شناخت و تبلیغ مسایل زنان در دو سطح دینی و تشریحی و تاکید بر ضرورت پاسداری از شالوده‌های اسلامی در ساماندهی روابط زنان و مردان و ارایه قرائت روشنگرانه‌ای از متون اساسی اسلامی (قرآن و حدیث نبوی)، تجلی پیدا کرده است؛ زن در حال حاضر تبدیل به عامل مهمی در بیداری اسلامی شده است زیرا حرکت او بر بخش‌های گسترده‌ای از مردم و در اهمیت مقید ماندن به اصول مسلم دینی و ارتباط با اندیشه مکتبی محمدی، تاثیر دائمی دارد. این نقش جهادی زنان مستلزم تحکیم و تقویت موقعیت آنان در مراکز تصمیم‌گیری و نمایندگی سیاسی است. قرائتی در جایگاه زنان در بیداری

اسلامي نشان مي‌دهد که زنان مسلمان گامهاي مهمي در تاسيس نهادها و سازمانهاي خود و نيز فعاليت‌ها و دستاوردهايش و تبلور ديدگاهها و گفتمان‌ها برداشته‌اند. ولي هرازگاهي از آنها خواسته مي‌شود که در گامهاي برداشته شده بازخواني خود را داشته باشند و ديدگاههاي خود را در اهدافي که اينان دنبال مي‌کنند، اصلاح کنند. روند بيداري بيش از آنکه روندي فني و تکنیکی باشد روندي عميق و تودرتوست که در محتوای اندیشه‌اي و فرهنگي آن نهفته است. اين نيز نیازمند مبارزه‌اي همزمان براي ارتقاي سطح آموزش و مبارزه با بيسوادي و پذيرش تجربيات سازمانهاي بين‌المللي و درافتادن به شبکه‌هاي بين‌المللي زنان و انتشار مطالعات و پژوهش‌هاي مربوطه و برگزاري ميزگردها و کنفرانس‌ها و سازماندهي حملات تبليغاتي مربوط به قانون حمايت خانواده و ارايه مشاوره‌هاي حقوقي و تشريعي و و مشارکت رسانه‌اي هدفمند در تکذيب مقوله‌ها، تفسيرها و تاويل‌هاي نادرستي است که اسلام را دين خشونت و معارض با آزادي و حقوق انسان تلقي مي‌کنند. اسلام ديني است که به تعدد گرايي، اختلاف، اديان مختلف احترام مي‌گذارد و تاريخ خود بهترين گواه بر اين ادعاست، فرهنگ عربي - اسلامي که توانست براي بيش از چهارده قرن با فرهنگهاي ديگري که با آن تماس داشتند هم‌رنگ شود مي‌تواند با تحولات فرهنگي، علمي و سياسي معاصر نيز همگامي داشته باشد و ارزش‌هايي را در تحکيم برابري و عدالت و آزادي و ديگر شالوده‌هايي که به انسان (اعم از مرد يا زن) اعتلا مي‌بخشد و او را به مراتب والاي کرامت و عزت مي‌رسانند، تحقق بخشد.

منابع

1- قرآن کریم

2- توافقنامه پايان بخشیدن به تمامي انواع تبعيض عليه زن، گزارش‌هاي سايه در کشورهاي عربي، سازمان ملل متحد، کمیته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (اسکوا)، 2007م.

3- "محمد مهدي آصفي": "التحديات المعاصرة و مشروع المواجهة الاسلاميه" (چالش‌هاي معاصر و پروژه

رويارويي اسلامي، مركز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامي، چاپ اول، بيروت، 2008م.

4- "الامة الاسلامية و التحديات" (امت اسلامي و چالشها)، معاونت فرهنگي مجمع جهاني تقريبي مذاهب اسلامي، چاپ اول، تهران، 2004 م.

5- "بر فتنه مسيکه" "حقوق المرأة و الشرعة العالمية لحقوق الانسان" (حقوق زنان در شريعت اسلامي و اعلاميه جهاني حقوق بشر) مؤسسة المعارف، چاپ اول بيروت 1992م.

6- "البشر، بديرة،" "وقع العولمة في مجتمعات الخليج" (تأثير جهاني شدن در جوامع خليج فارس)، تز دكتراي علوم اجتماعي، زير نظر "محمد شيا"، دانشگاه لبنان بيروت 2005م.

7- "محمد علي تسخيري"، "حول الصحوة الاسلامية" (پيرامون بيداري اسلامي) مجمع جهاني تقريبي مذاهب اسلامي، چاپ اول، تهران 2005م.

8- "التقرير العربي الثالث حول الاهداف التنوية للألفية 2010 و آثار الازمات الاقتصادية العالمية علي تحقيقها"، (سومين گزارش عربي پيرامون اهداف توسعه هزار و پيامدهاي بحرانهاي اقتصادي جهاني بر تحقق آنها)، سازمان ملل متحد، اتحاديه عرب.

9- "الجنحاني"، "العولة و الفكر العربي المعاصر" (جهاني شدن و انديشه معاصر عربي) دارالشروق، چاپ اول، قاهره، 2002م.

10- "عبدالله خلاق"، "الصحوة الاسلامية" (بيداري اسلامي)، دارسبيل الرشاد، چاپ اول، بيروت 1999 م.

11- "رسالة التقريب" (ماهنامه)، "مجمع جهاني تقريبي مذاهب اسلامي"، تهران شماره رجب و شعبان 2005م.

12- "محمد تقوي سبحاني"، "شخصية المرأة" (شخصيت زن)، مركز الحضارة لتنقية الفكر الاسلامي، چاپ اول، بيروت 2009م.

13- "عالمية الاسلام و العولمة" (جهان نشمولي اسلام و جهاني شدن)، شانزدهمين كنفرانس بين المللي وحدت اسلامي، تهيه و تنظيم: طه مرقاتي، مجمع جهاني تقريبي مذاهب اسلامي چاپ اول، تهران 2003م.

- 14- "العلواني، طه جابر"، "الخصوصية و العالمية في الفكر الاسلامي" (جنبه های خاص و جهانی اندیشه اسلامی)، دارالهادی، چاپ اول، بیروت 2003م.
- 15- "عولمة عادلة : توفير الفرص للتجميع" (جهانی شدن عادلانه : فرصت سازی برای همگان)، سازمان بین المللی کار ، چاپ دوم، سویس، 2004م.
- 16- "العولمة و انواع الاجتماعي" (جهانی شدن و انواع اجتماعی) گزارش توسعه زنان عرب ، 2001م، کوتر، مركز المرأة العربية للتدريب و البحوث.
- 17- "العولمة و تداعياتها علي الوطن العربي" (جهانی شدن و پیامدهای آن بر جهان عرب)، مركز دراسات الوحدة العربية، چاپ اول ، بیروت 2004م.
- 18- عیسی زینب محمد، "أنی فاطمة" (فاطمه هشتم)، جمعیت خیریه بانو زینب(س)، چاپ اول ، بیروت 2004م.
- 19- "یوسف القرضاوی" الصحة الإسلامية و خصوم الوطن العربي و الاسلامي" (بیداری اسلامی و مسایل جهانی عرب و اسلام)، دارالشروق، چاپ دوم ، قاهره، 2006م.
- 20- "مبادي توجيهية من اجل تعميم قضايا النوع الاجتماعي و تعزيز فعالية آليات النهوض بالمرأة (اصول توجیهی برای تعمیم مسایل اجتماعی و تحکیم فعالیت های مکانیسم رشد زنان) سازمان ملل متحد، کمیته اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا ، (اسکوا)، 2007م.
- 21- المرأة في منطقة العربية : "واقع و تحيات و آفاق مستقبلية" (زن در منطقه عربی: واقعیت ها، چالش ها و چشم اندازهای آینده) کمیته اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا (اسکوا)، فشرده کمیته زن، نشست سوم، ابوظبی ، 14-15 مارس 2007م.
- 22- "المرأة و قضاياها" (زنان و مسایل آنها) مجموعه نویسندگان، مركز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامي، چاپ اول ، بیروت ، 2008م.
- 23- " مسح للتطورات الاقتصادية و الاجتماعية في منظمة الاسكوا" (پیمایش تحولات اقتصادی و اجتماعی در سازمان (اسکوا)) (2009-2010 م)، سازمان ملل متحد، کمیته اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا (اسکوا)

24- "مكي، عباس محمود"، كارشناسان روانشناسي جنائي. رشد جنایات اخلاقي معاصر، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع ، چاپ اول بيروت 2007م.

25- "مكي، عباس محمود"، "دينامية الاسرة في عصرالعولمة"(پويایي خانواده در دوره جهانی شدن)، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع ، چاپ اول ، بيروت ، 2007م.

26- "منتدي المرأة و الاعلام" (كلوب زن و رسانه ها)، چهارمین كلوب کنفرانس عربي، دوره امارت عربي متحدة، الوطني، 2-3 فوريه 2002م.

27- "موقع المرأة العربية في عملية التنمية"(جاگاه زنان عرب در روند توسعه) کمیته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (سازمان ملل متحد)(اسکوا)، 2008م.

28- "زكي الميلاد"، "المسألة الحضارية"(مسئله تمدني) : مركز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامي، چاپ دوم، بيروت، 2008م.

29- "الناصري، محمد باقر"، "محاضرات في الصحوة الاسلامية المعاصرة" (سخنراني هاي در بيداري اسلامي معاصر)، دارالزهرا، چاپ اول ، بيروت 1986م.

30- "وضع المرأة العربية"(2005)(اوضاع زنان عرب در سال 2005)، کمیته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (اسکوا).

[1] - (وضع المرأة العربية 2005) سازمان ملل متحد، کمیته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (اسکو) صفحه 12.

[2] - "الان توران" نقد مدرنیسم، ترجمه (عربي) انور معیث ، شرایعالي فرهنگي جمهوري عربي مصر، 1998م. صفحه 305.

- [3] – "رونالد روبینسون" : (جهاني شدن نظري و اجتماعي و فرهنگي و جهاني) ترجمه احمد حمود و نورامين، شرايعالي فرهنگ، قاهره، صفحه 27.
- [4] – "جهاني شدن و پيامدهاي آن بر وطن" مقاله‌اي از عبدالجليل كاظم الوالي : "ديالكتيك جهاني شدن : از اختيار تا نفي" مركز مطالعات وحدت عربي، چاپ اول، بيروت 2003م.، صفحه 18.
- [5] – البشر بدرية، "آثار جهاني شدن بر جوامع خليج فارس"، تز دكتوراي علوم اجتماعي، دانشگاه لبنان، زیر نظر محمد شيا، بيروت 2005م.، صفحه 4.
- [6] – همان منبع، صفحه 25.
- [7] – همان منبع، صفحه 25.
- [8] – پيتر مارتين، هانس/شومان هارالد: دام جهاني شدن، ترجمه (عربي) عدنان عباس علي، عالم المعرفة، شورا ملي فرهنگ، هنر و ادبيات، كويت شماره 238 چاپ اول 1998، صفحه 57.
- [9] – همان منبع، صفحه 26.
- [10] – همان منبع، صفحه 68.
- [11] – كميته جهاني بؤعد اجتماعي جهاني شدن : جهاني شدن عادلانه: ايجاد فرصت براي همگان. سازمان بين‌المللي كار چاپ دوم سويس، 2004م.، صفحه 28.
- [12] – همان منبع، صفحات : 36 و 37.
- [13] – آمارگيري تحولات اقتصادي و اجتماعي در منطقه (اسكوا) (2010_2009م.) سازمان ملل متحد، كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (اسكوا)، صفحه 111.
- [14] – سومين گزارش عربي پيروان اهداف توسعه هزاره 2010 و پيامدهاي بحرانهاي اقتصادي جهاني بر تحقق آنها. سازمان ملل متحد، اتحاديه عرب (گزارش فشرده اجرايي).

- [15] - مكي عباس محمود كارشناس روانشناسي - جنائي (رشد جنائيات اخلاقي معاصر) مؤسسه دانشگاهي مطالعات و انتشارات. چاپ اول بيروت 2007م.، صفحه 10.
- [16] - "الطاهري، امنية خميس" ، تصوير زن در آهنگهاي جوانان عرب خليج، (ويدئوكليبها)، چهارمين نشست زن عرب (زن و رسانهها)، ابوطبي، 3-2 فوريه 2002م.، صفحه 146.
- [17] - "علامه محمدباقر مجلسي" : بحارالانوار، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، 1983م. جلد16 ، صفحه 11.
- [18] - امت اسلامي و چالشها، چهارمين نشست كارشناسان سازمان كنفرانس اسلامي، مقاله اي به قلم "عماد افروغ"؛ (اسلام و جهاني شدن) مجمع جهاني تقريبات مذاهب اسلامي 2004م.، صفحه 219.
- [19] - همان منبع، مقاله اي به قلم : "صالح بن سليمان الوهبي"، (حملات تبليغاتي عليه اسلام و مسلمانان) صفحه 34.